



فارغ التحصیلی، بیکاری یا اشتغال همسان سازی میزان فارغ التحصیلان با نیازهای اشتغال در جامعه

نویسنده: دکتر ابراهیم آقا خانی

تهران؛ ۱۳۸۶

ناشر: انتشارات نیکو روش، ۲۳۳ صفحه

مهرالزمان نوبان

این کتاب در ۱۳ فصل با یادداشت مؤلف و مقدمه شروع می‌شود. به اعتقاد نویسنده، عصر دانشگران فرا رسیده است. منابع و ارزش بسیاری از فرآیندهای توسعه به «دانایی»، «تجربیات» و «سرمایه فکری» انسان‌ها گره خورده است. اهمیت «دانایی» از این‌روست که جوامع و سازمان‌ها اغلب برای به دست آوردن آن متحمل شکست، هزینه و صرف زمان بسیار شده‌اند. مؤلف «دانایی» را تنها منبع پایداری می‌داند که با پرورش انسان آگاه، ماهر و انعطاف پذیر جامعه و سازمان آن را می‌تواند در اختیار گیرد. سازمان‌ها باید بتوانند در مواقع لزوم از دانایی موجود بهره گیرند. بهبود فرآیند توانمند سازی منابع انسانی، ظرفیت‌های بالقوه‌ای را برای بهره‌برداری از سرچشمه‌ی توانایی انسان که از آن استفاده‌ی کامل نمی‌شود، در اختیار می‌گذارد. به اعتقاد مؤلف امروزه از سوی دانشگاه در هماهنگی مستمر با بازار کار، پایداری این نیروی بالقوه باید مهار شده و مورد استفاده قرار گیرد. بدین طریق است که انسان توانمند، به جامعه و خود نفع می‌رساند. نویسنده در این کتاب روند گسترش مراکز دانشگاهی و نبود ارتباط اثربخش بین رشته‌های تحصیلی و نیازهای بازار

کار را مورد توجه قرار داده است. در این کتاب فصل‌ها عنوانی جز شماره ندارند، ولی در این رابطه مؤلف مطالب را به شرح زیر به نگارش درآورده است.

فصل اول کتاب شش موضوع را مورد بحث قرار می‌دهد. ابتدا به «نقش انسان در فرآیند تحولات» و سپس به موضوعات «انسان ماهر سرمایه هوشمند»، «پرورش دانش و مهارت و توانایی انسان»، «توانمند سازی»، «انسان عامل مبانی و راهبردی» و «نظام مطلوب پرورش انسان» می‌پردازد.

آنچه در سرآغاز فصل دوم خواننده می‌شود، درباره‌ی «آموزش ساختمان» است. سپس مؤلف «عامل‌های اثرگذار بر نظام‌های آموزشی»، «نظام آموزشی»، «نظام آموزشی و نیازهای بازار کار»، «تاثیر نظام آموزش عالی در افزایش مهارت نیروی انسانی» و «چگونگی ارتباط آموزش عالی با بازار کار» را مورد توجه قرار داده است.

فصل سوم درباره‌ی موضوعات «منابع انسانی ماهر»، «پرورش ذهنی و شخصیتی منابع انسانی»، «استراتژی نهادهای سازی مشارکت انسان‌های توانمند در بازار کار»، «ویژگی‌های منابع انسانی مورد نیاز بازار کار»، «آموزش و توسعه» است. در پایان، مؤلف این فصل را با موضوع «آموزش عالی پویا» یعنی پرورش منابع انسانی ماهر در جهت تعادل در بازار کار و پایداری و ... به اتمام می‌رساند.

آنچه در صفحات نخستین فصل چهارم مطرح می‌شود «نقش آموزش و توسعه سرمایه انسانی متخصص»، «آموزش و تشکیل سرمایه انسانی متخصص» و «ارتباط نیروی انسانی متخصص و اشتغال فارغ التحصیلان» است. سپس «انواع آموزش» از دیدگاه «آموزش رسمی»، «آموزش غیر رسمی یا ضمن کار» و «آموزش آزاد» تعریف می‌شوند. در ادامه‌ی بحث، مؤلف «شیوه‌های تشکیل و توسعه سرمایه انسانی در قالب آموزش رسمی» در سه شیوه‌ی کلی آموزش عمومی، آموزش متوسطه و آموزش عالی را بیان می‌دارد. مطلب بعدی درباره‌ی «انواع آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها در سطح آموزش عالی» است که به بررسی اجمالی انواع آموزشگاه‌ها، مؤسسات و مراکز آموزش عالی در ایران مثل دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه جامع علمی - کاربردی، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های غیر انتفاعی می‌پردازد. «طبقه‌بندی مشاغل و تفکیک رشته‌های تحصیلی»، «شورای عالی برنامه‌ریزی» و «اقدامات شورای عالی برنامه‌ریزی و تفکیک رشته‌های تحصیلی» از دیگر مباحث این فصل به شمار می‌روند.

«تأمین نیازهای بازار کار» اولین موضوع مورد بحث در فصل پنجم است. در این بخش گفته می‌شود که نیازهای شغلی، حرفه‌ای و تکنولوژی‌های جدید، برنامه‌ریزی‌های درسی و گروه‌های تحصیلی را به دلیل شتاب در تغییر و تغییرات بنیادی در جامعه به سمت خاصی سوق می‌دهند. وی کاربرد تکنولوژی‌های جدید به ویژه رایانه را در تمامی رشته‌ها، گروه‌های تحصیلی و مشاغل الزامی می‌داند. از سوی دیگر معتقد است کارفرمایان، فارغ‌التحصیلان متخصص و توانا در رایانه را ترجیح می‌دهند. سپس در این فصل «نظریه‌ها و آراء اندیشمندان و تشکیل و توسعه سرمایه انسانی» مطرح می‌شود که در این ارتباط، نویسنده نظریه‌ی «شولتز»، «رومر» و «فلیپ کومبز» را بیان می‌دارد. آخرین بحث درباره‌ی «سهم آموزش (رسمی) در ایجاد اشتغال» است که ابتدا ارتباط بین آموزش و اشتغال را بررسی می‌کند.

در فصل ششم، مؤلف ابتدا به موضوع «آموزش رسمی و اشتغال فارغ التحصیلان» پرداخته است. مباحث‌های بعدی «فلسفه آموزش عالی» است که به دو فلسفه‌ی «معرفت‌شناسی» و «فلسفه‌ی سیاسی» که به آموزش عالی مشروعیت می‌بخشد، می‌پردازد. «نقش دانشگاه در کارآفرینی»، «برنامه‌های درسی و کار آفرینی» و «دوره‌های آموزشی و نیازهای بازار کار» این فصل کتاب را به پایان می‌رساند.

آنچه که در فصل هفتم مطالعه می‌شود، ابتدا در رابطه با «آرمان‌ها و رسالت‌های آموزش عالی» است. سپس در این فصل موضوعات «تحلیل نظری ابعاد کیفی آموزش عالی»، «آسیب‌شناسی نظام پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی»، «نقاط بهبود نظام آموزش عالی در ایجاد ارتباط بین دانشگاه و بازار کار» و «بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در جهان» مطرح می‌شود.

فصل هشتم به دنبال بحث موضوعاتی چون «تناسب شغل و شاغل»، «همسان سازی عرضه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با نیازهای اشتغال در جامعه»، «سیاست‌های علمی و آموزشی در ارتباط با برنامه‌های اشتغال»، «نیروی انسانی و اشتغال»، «اهداف ارتباط متقابل بین نهادهای آموزشی»، «اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در ایران» ادامه می‌یابد. سپس با عنوان «پیش‌بینی بازار تقاضای کار» فصل به پایان می‌رسد.

اولین مبحث فصل نهم «دولت و معضل اشتغال» است. سپس با موضوعات «بهبود برنامه‌ریزی اشتغال فارغ‌التحصیلان در برنامه‌های توسعه»، «پژوهش موتور حرکت جامعه»، «رشته‌های دانشگاهی و برنامه‌ریزی‌های اشتغال»، «کار آفرینی، پیامد دانشگاه، نتیجه‌گرا» و «دانشگاه سال ۲۰۵۰ (سازمانی برای پرورش همه جانبه‌ی خلاقیت و نوآوری)» این فصل از کتاب خاتمه می‌یابد.

در فصل دهم شش عنوان مورد توجه قرار می‌گیرد. ابتدا به «بررسی تطبیقی آموزش عالی در جهان» پرداخته می‌شود. بحث‌های بعدی درباره‌ی «همسان سازی سیاست‌های اشتغال با میزان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در آسیا»، «اهداف آموزش عالی در کشورهای اندونزی، ژاپن، کره جنوبی»، «ساختار نظام آموزش عالی در کشورهای اندونزی، ژاپن و کره جنوبی»، «برنامه‌های توسعه و سیاست‌های اشتغال‌زایی در اندونزی، ژاپن، کره جنوبی» است. سرانجام با موضوع «بهبود مستمر نظام آموزش عالی در ارتباط با اشتغال در کشورهای اندونزی، ژاپن، کره جنوبی، هنگ کنگ و سنگاپور» فصل به پایان می‌رسد.

فصل یازدهم کتاب، به موضوعات «نقش آموزش به عنوان مهم‌ترین عامل پرورش و افزایش مهارت نیروی انسانی»، «نقش تربیت نیروی انسانی کارآمد و اثر آن بر توسعه»، «علل رشد و توسعه کشورهای ژاپن و کره جنوبی و ...»، «رابطه بازار کار و دانشگاه در جهان» و «ارتباط بازار کار و صنعت با دانشگاه در سایر کشورها» اشاره دارد. در ادامه، کتاب با مبحث «ارتباط دانشگاه و بازار کار در ایران و نقش آن در توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال» خاتمه می‌یابد. مؤلف فصل دوازدهم را با عنوان «عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص در ایران» شروع می‌کند. وی در ادامه بحث «مسائل ساختاری نظام آموزش عالی در ایران» را مطرح می‌کند. عناوین دیگر این فصل «قوانین و مقررات حاکم بر نظام آموزش عالی ایران»، «مشکلات مربوط به کمیت و کیفیت نظام پذیرش دانشجو در ایران»، «توسعه و چالش‌های اشتغال نیروی انسانی متخصص»، «همسان سازی میزان فارغ‌التحصیلان با نیازهای اشتغال در جامعه»، «سازوکار متناسب کردن برنامه‌های دانشگاهی با برنامه‌های اشتغال»، «مهندسی مجدد اندیشه در آموزش»، «به کارگیری QFD در بهبود کیفیت آموزش» است. سرانجام با بحث «سه بعد کلیدی گسترش عملکرد کیفیت» این فصل به پایان می‌رسد.

فصل سیزدهم نخست با عنوان «تعریف واژه و اصطلاحات» به منظور ایجاد یک نظم فکری و هماهنگی با خوانندگان شروع می‌شود. در این کتاب واژه‌های به کار برده شده مثل: نگرش، دانشجو، آموزش عالی، کار یا پیشه، شغل، اشتغال از دیدگاه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دانشگاهیان، دانش آموختگان (فارغ‌التحصیلان)، بیکاران و طبقه‌بندی مشاغل تعریف می‌شود. در بخش دوم این فصل «واژه نامه» به شکل الفبایی و در پایان «فهرست منابع» فارسی (۳۵ مورد) و انگلیسی (۲۲ مورد) آورده شده است.

ارزیابی

مؤلف در این کتاب با نوشتار مفید خود در ارتباط با موضوع توانسته است به طور جامع و علمی جنبه‌های مختلف «همسان سازی میزان فارغ‌التحصیلان با نیازهای اشتغال در جامعه» را به بهترین نحو به نگارش در آورد. وی بر روند گسترش سریع دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و نبود ارتباط اثربخش بین رشته‌های تحصیلی و نیازهای بازار کار تأکید دارد. در این مجموعه با ارائه‌ی نشانه‌های مؤثر ضمن معرفی زنجیره‌ی موجود و رابطه‌ی بین آموزش، اشتغال و توسعه که کتاب بر محور آن‌ها شکل گرفته است، چالش‌های موصوف را به گونه‌ای شفاف تبیین کرده است. در حقیقت او در ۱۳ فصل، موضوعات ارزشمند مطرح شده را که امروزه از جمله عناصر قابل توجه‌اند، با نگاهی آینده‌نگر مورد بررسی قرار داده است. رهنمودهای مؤثر و کارایی در این کتاب مطرح شده‌اند که با شناخت و آگاهی خاص از آن‌ها نه تنها می‌توان مانع خسارت شد و یا لاقط آن را به حداقل رساند، بلکه می‌توان از بروز بحران تعداد فارغ‌التحصیلان با نیازهای اشتغال جلوگیری به عمل آورد. بدون تردید مضامین این کتاب راهنمایی در راستای بهبود جامعه از منظر همسان سازی تعداد فارغ‌التحصیلان با نیازهای اشتغال جامعه است. نویسنده کوشیده است تا پایداری این نیروی بالقوه از سوی دانشگاه‌ها در هماهنگی مستمر با بازار کار مورد توجه قرار گیرد.